

The philosophy of Ashura revolution in the discourse of the Deobandi school

Abdulwahid Bamri¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: avahedbameri@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 11 December 2023 Received in revised form: 4 January 2024 Accepted: 24 January 2024 Published online: 12 February 2024</p> <p>Keywords: Deobandi, Ashura Revolution, Imam Hussain (AS), Hanafi religion, religious rituals</p>	<p>The great epic of Karbala is one of the spiritual and universal events that is a proof of entitlement in the depth of beliefs. Muslim religion has been flowing, this continuous divine movement can be used as an eternal model of a perfect human being. It plays a role in all dimensions of life; One of the characteristics of this sad event is that all sects and religions have acknowledged its splendor and greatness. The Deobandiyya school is one of the important currents of the Hanafi school of thought. It has played a fundamental role in political and social developments and the education of Sunni religious elements, religious figures. This school has made lasting efforts to fight against the western cultural invasion during its lifetime and by reference. One of the keywords in the brilliant history of the family can be found in the scientific sources of Deobandi thinkers. The holy prophetic face of their efforts has been the bloody event of Hosseini's Ashura. The school has written useful books on its analysis. This article is aimed at the philosophy of Ashura uprising. Based on the attitude of the followers of the Deobandian school, using the descriptive-analytical method and using sources. Check out a library. In the present article, the analysis of Ashura saga and its philosophy from the perspective of Deobandi movement is mentioned. From the results of this, it can be argued that the Karbala revolution, from the perspective of Deobandi thinkers, played a transformative role in promoting discourse reformism and justice-oriented and the destruction of heresies and deviations in the Islamic world and this wonderful event in education. The Qur'an and the Prophetic Atrah and the revival of the Islamic Caliphate and the splendor of the Muhammadan Sharia have an effective role.</p>

Cite this article: Bamri, V. (2023). The philosophy of Ashura revolution in the discourse of the Deobandi school. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 7 (2), 211-228. DOI: 10.22111/jrm.2024.47603.1160



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2024.47603.1160

Publisher: University of Sistan and

فلسفه انقلاب عاشورا در گفتمان مکتب دیوبندی

عبدالواحد بامری^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: avahedbameri@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>حماسه عظیم کربلا از رخداد‌های معنوی و جهان شمولی است که به عنوان اسوه حق طلبی در عمق باورهای دینی مسلمانان جریان داشته است. این نهضت الهی پیوسته می‌تواند به عنوان الگوی جاودانه یک انسان کامل در تمام ابعاد زندگی نقش آفرین می‌باشد؛ از ویژگی‌های این واقعه غمناک آن است که تمامی فرق و مذاهب بر شکوهمندی و عظمت آن اذعان داشته‌اند. مکتب دیوبندی از جریان‌های مهم مذهب حنفی است که نقش اساسی در تحولات سیاسی و اجتماعی و تربیت عناصر مذهبی اهل سنت ایفا نموده است، شخصیت‌های دینی این مکتب، تلاش‌های ماندگار جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب در زمان حیات خویش داشته‌اند و با مراجعه به منابع علمی اندیشمندان دیوبندی می‌توان دریافت یکی از کلیدواژه‌هایی که در سیره‌ی درخشان خاندان پاک نبوی وجهه‌ی همت آنان بوده، رخداد خون‌ریز عاشورای حسینی به شمار می‌رود که بزرگان این مکتب در تحلیل آن کتاب‌های سودمندی نگاشته‌اند. این مقاله بر این هدف است که فلسفه قیام عاشورا را براساس نگرش پیروان مکتب دیوبندی با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بررسی نماید. از نتایج این جستار می‌توان ادعا نمود که انقلاب کربلا از نگاه اندیشمندان دیوبندی، نقش تحول‌ساز در ترویج گفتمان اصلاح‌طلبی و عدالت‌محوری و نابودی بدعت‌ها و انحرافات در جهان اسلام دارد و این واقعه شگرف در معارف قرآن و عترت نبوی و احیای خلافت اسلامی و شکوهمندی شریعت محمدی نقش موثری دارد.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۰</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۴</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳</p> <p>واژه‌های کلیدی:</p> <p>دیوبندی، انقلاب عاشورا، مناقب امام حسین (ع)، مذهب حنفی، شعائر دینی</p>

استناد: بامری، عبدالواحد (۱۴۰۲). فلسفه انقلاب عاشورا در گفتمان مکتب دیوبندی. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۷ (۲)، ۲۲۸-۲۱۱.

DOI: 10.22111/jrm.2024.47603.1160



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

قیام کربلا از حوادث درخور توجهی است که با تحقق اهداف متعالی آن مانند عدالت‌گستری و آزادی خواهی در پرتو نگاه قدسی و با رهبری امام حسین(ع) شکل گرفته است. ترویج آموزه‌های دینی و گسترش معارف قرآن و عترت در جهان اسلام از دستاوردهای تابناک این قیام به شمار می‌رود. انقلاب کربلا به دلیل خاستگاه معنوی که داشته است به عنوان الگوی تمامی حماسه‌های عزت‌طلبی و حقیقت‌گرایی محسوب می‌گردد. از شاخص‌های این حماسه معنوی آن است که تشنگان اسلام ناب را از غنای محتوای آن سیراب نموده است و زمینه‌های فلاح و رستگاری تمامی مسلمانان حق طلب را در عالم آفرینش و روز قیامت فراهم کرده است. مکتب دیوبندی از گرایش‌های فکری مذهب حنفی است که برخی از پژوهشگران این مکتب پیرامون سیره درخشان امام حسین(ع) و قیام تاریخی حضرت کتاب‌های متعددی نوشته‌اند شایان توجه است این کتاب‌ها به زبان اردوی است و پاره‌ای از دلایل قیام کربلا اشاره گردیده است. از مباحث درخور توجهی که عالمان دیوبندی در این عرصه به آن اهمیت داده‌اند موضوع فلسفه انقلاب عاشورا است آنان اقامه دین حق، گسترش فضائل انسانی و مکارم اخلاقی و مبارزه با انحرافات اجتماعی و نجات ستمدیدگان را از ظلم حاکمان جائز از مهم‌ترین اهداف این قیام در کتب خویش ذکر نموده‌اند. نوشتار حاضر با بهره‌مندی از تألیفات اندیشمندان دیوبندی به تحلیل و بررسی قیام حضرت سید الشهدا(ع) پرداخته است. عالمان مکتب دیوبندی از حماسه خونین کربلا به عنوان قیامی سترگ و جهانشمول یاد می‌کنند و از نتایج این قیام الهی، حفظ تعالیم حیات‌بخش اسلام و صیانت سنت رسول خدا (ص) از بدعت‌ها می‌دانند در اندیشه نویسندگان مکتب دیوبندی، نهضت کربلای حسینی، تأثیر گذاری عمیقی در افکار عمومی مسلمانان و عدالت خواهان در برابر ظالمان داشته است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که فلسفه قیام کربلای امام حسین(ع) در اندیشه پیروان مکتب دیوبندی چیست؟ از مطالعه کتاب‌هایی که عالمان دیوبندی در حوزه زندگانی حضرت سیدالشهدا(ع) نگاشته‌اند برمی‌آید که قیام معمار کربلا، هویت تحول‌گرایی در ساحت‌های مختلف زندگی و دستاوردهای نیک و اثرگذاری برای مسلمانان حق طلب به ارمغان داشته است.

با عنایت به اینکه اکثریت منابع پژوهش مورد اشاره به زبان اردو می‌باشد و تاکنون در این عرصه کتاب مستقل تدوین نشده است، بر این اساس می‌توان ادعا نمود که تحقیق مذکور به عنوان نخستین

اقدام علمی بدیع و نوآوری در موضوع خود شمرده می‌شود و به اهداف حماسه عظیم کربلا از منظر مکتب دیوبندیان پرداخته است.

پیشینه ی تحقیق

در بررسی‌های به عمل آمده می‌توان ادعا نمود که در عرصه معرفی فضایل و مناقب امام حسین (ع) برخی از عالمان دیوبندی، در این زمینه کتاب‌هایی به زبان اردوی به چاپ رسانده اند. در ارتباط با موضوع این مقاله از نگاه دیوبندیان مقاله یا کتاب خاصی به زبان فارسی یا اردوی وجود ندارد و متون علمی و تخصصی معتبر از منظر آنان اندک است.

محمد شفیع عثمانی از عالمان نامدار دیوبندی است که در کتاب خویش به معرفی اجمالی حماسه کربلا و ابعاد آن پرداخته است. در همین راستای محمد قاسم نانوتوی کتابی تحت عنوان «در تحقیق و اثبات شهادت امام حسین (ع) و کردار یزید» تدوین نموده است وی در این کتاب به سیره‌نامه و شهادت امام حسین (ع) و اثرگذاری قیام حضرت در جهان اسلام اهمیت داده است و در پاسخ به سخنان فردی به نام «عباسی» که درباره قیام امام حسین (ع) انتقاداتی مطرح نموده است این کتاب را نگاشته کرده است. محمد عبدالرشید نعمانی نیز در این زمینه دو تألیف با عناوین (اکابر صحابه اورشهادتی کربلا پر افتراء و حادثه کربلا کاپس منظر) نوشته است.

کتاب «شهید کربلا اور یزید» به قلم محمد طیب قاسمی از چهره‌های معروف دیوبندی است که وی در مقدمه آن بر این عقیده است که تالیف مذکور با هدف معرفی نگرش مکتب دیوبندیان پیرامون شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) و عملکرد یزید بن معاویه نگاشته شده است.

کتاب «مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ» به قلم آقای سید مهدی علیزاده موسوی از کتاب‌هایی است که به معرفی مکتب دیوبندی و تاریخ تطور گرایش‌های آن و عقائد این مکتب پرداخته است. در این کتاب به فلسفه قیام عاشورا اشاره نگردیده است.

مقاله «پیدایش تفکر دیوبندی هندوستان و تأثیر آن بر بلوچستان ایران» که نویسندگان آن محمد پیروی و عبدالغفور دوانی می‌باشند از جمله مقالات در معرفی خاستگاه این مکتب است.

مقاله «نقش مدارس مذهبی دیوبندی» که نویسندگان آن عباس ابو طالبی و ابوالفضل شکوری است در مقاله مذکور به نظام فکری برخی از مدارس مذهبی پرداخته شده است.

بر این اساس می‌توان دریافت که در موضوع مقاله حاضر کتاب یا مقاله‌ای به گونه مستقل چاپ نشده و نگارنده در این مقاله فلسفه انقلاب کربلا از نگاه عالمان دیوبندی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. روش پژوهش در جستار حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است که به فلسفه قیام حضرت سید الشهدا(ع) از منظر مکتب دیوبندیان می‌پردازد. شیوه گردآوری محتوایی و اطلاعات مقاله نیز به صورت مطالعه کتابخانه‌ای و ترجمه برخی از منابع اردو به زبان فارسی انجام شده است.

۱- مکتب دیوبندی و بنیادهای فکری آن

خاستگاه تکوین جنبش دیوبندی را میتوان در اندیشه‌های شاه ولی الله دهلوی و احمد سرهندی مورد واکاوی و جستجو قرار داد، واژه دیوبند نام مدرسهای است تحت عنوان «دارالعلوم» که در منطقه دیوبند در سال ۱۲۸۲ هندوستان با اشراف محمد قاسم نانوتوی و رشید احمد کنگوهی بنیان گذاری شده است. برخی از طلاب علوم دینی جهت فراگیری فقه حنفی در این مدرسه به تحصیل اشتغال داشته‌اند که بعد از سالیان متمادی و تلاش‌های عالمان برجسته هندوستان، مکتب دیوبند مشهور گردیده است (طالب الرحمن، ۱۴۱۹، ص. ۲۱؛ سهارنپوری، ۱۹۸۳، ج ۱، ص. ۱۳). نظام آموزشی دارالعلوم دیوبند، با شکل‌گیری مدارس دینی در هند گسترش یافت که در مقابله با نفوذ تفکرات غربی و تهاجم فرهنگی، این مدارس نقش تاثیرگذاری داشته‌اند. احمد عزیز از نویسندگان در عرصه شبهه‌قاره هند معتقد است که این مکتب مذهبی با گسترش و تکامل سنتی تحقیقاتی کهن، کانون ممتازی برای مطالعات کلامی گردیده و طلابی که در مدرسه دارالعلوم دیوبند فارغ‌التحصیل شده‌اند برخی از چهره‌های درخشان علوم اسلامی در هند بودند. محمود حسن از چهره‌های ممتاز و شخصیت سیاسی و کلامی دارای اهمیت اساسی بود که تاسیس یک سلسله از مدارس الهیات را در منطقه سرحدی شمال غربی هند پایه‌گذاری کرده است (عزیز احمد، ۱۳۶۶، ص. ۲۴).

در شکل‌گیری تفکر دیوبندی، یکی از عالمان دیوبندی بر این باور است که تعدادی از روحانیون مشهور دیگری از اهل سنت مانند محمد یعقوب نانوتوی، ملا محمود دیوبندی، رفیع الدین دیوبندی و فضل الرحمن دیوبندی در رشد و اعتلای این مکتب و مدرسه دارالعلوم دیوبند تربیت شاگردان و هم‌چنین تألیفات در این عرصه نقش کلیدی داشته‌اند (محمد طیب، ۱۴۳۰، ص. ۴۲)؛ دیوبندیان خود را مسلمانان اهل سنت و جماعت می‌دانند که در فقه حنفی مذهب و در سلوک و مباحث اخلاقی صوفی و در حوزه کلام و اعتقادات از ابو منصور ماتریدی متابعت دارند. از منظر دیوبندیان برخی اصول به

عنوان اصول شاخص فکری آنان در عرصه عقیدتی به شمار می‌رود که مهم‌ترین اصول مذکور همان تقلید فقهی، پیروی از طریقت یا عرفان، مقابله با گروه‌های متعصب و ضاله و باورمندی به پیروی از تفکرات ماتریدی و مظهر کامل و جامع دین اسلام در اندیشه دیوبندی‌ها شیوه علمی اهل سنت و جماعت می‌باشد (محمد طیب، ۱۴۳۰، ص. ۱۶۷).

دیوبندیان توحید را به توحید ذات و صفات تقسیم می‌نمایند و برخی از پیروان مکتب دیوبندی اقسامی دیگر برای توحید ارائه داشته‌اند که توحید خالقیت، ذاتی، ربوبی و عبادی را از مهم‌ترین انواع توحید می‌دانند (دهلوی: ۶۱). علم غیب از باورهایی است که در کیفیت و گستره یا در اصل آن اختلاف نظراتی میان دیوبندیان وجود دارد، دیدگاه‌های آنان در این عرصه متفاوت است. برخی از پیروان مکتب یاد شده منکر علم غیب برای غیر خداوند می‌باشند. احمد سرهندی، ابوالحسن ندوی، رشید احمد گنگوهی و اشرف علی تهانوی از جمله عالمان دیوبندی هستند که از طرفداران اندیشه مذکور هستند (ندوی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸؛ گنگوهی، بی‌تا، ص. ۳۷؛ سرهندی، ۱۳۲۹، ص. ۸).

برخی بر این باورند که علم غیب به ذاتی و غیر ذاتی تقسیم می‌شود علم غیب ذاتی منحصر به پروردگار متعال است و هیچکس جز خداوند عالم‌الغیب نیست اما ممکن است خداوند از طریق وحی الهی، الهام و مکاشفه، فرشتگان و بندگان مقرب خود را نیز از برخی حقایق غیبی آگاه نماید. آنان با رد دیدگاه کسانی که قائل به علم غیب مطلق برای پیامبر (ص) و تفاوت علم پیامبر را با علم خداوند، تنها در قدم وحدت می‌دانند. با دلایل و شواهد گوناگونی می‌کوشند ثابت کنند که علم پیامبر (ص) محدود است و در نهایت فقط نسبت به آنچه در قرآن مطرح شده است آگاهی کامل دارد اما اینکه از تمام ماکان و مایکون، همانند خداوند آگاهی داشته باشد به هیچ وجه درست نیست (رفیعی، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۶؛ آفندی برزندی، ۲۰۰۴، ص. ۳۵).

حیات برزخی از مسائل مورد اختلاف دیوبندیان حیاتی و مماتی است عموم مسلمانان قائل به حیات برزخی و زندگی اموات بویژه اولیای الهی در عالم برزخ می‌باشند که برخلاف دیوبندیان مماتی که به حیات برزخی اعتقادی ندارند، به این جهت است که استغاثه و توسل به اولیای الهی را جایز نمی‌شمارند و از مظاهر شرک می‌دانند. در صورتی که برخی از عالمان دیوبندی حیات برزخی را پذیرفته اند. (کشمیری، ۱۴۲۴، ص. ۵۹؛ طالب الرحمان، ۱۴۱۹، ص. ۱۹۹، کاندهلوی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۵۲۹)

دیوبندیان در تصوف از پیروان سلسله‌های صوفیه همچون چشتیه و نقشبندیه می‌باشند. حاج امدادالله روحی از پایه گذاران دارالعلوم دیوبند، از پیروان سلسله چشتیه بود. عالمان دیوبند همواره تزکیه نفس را به عنوان معیار فعالیت‌های خویش قرار داده و به آن اهمیت می‌دادند. خلیل احمد سهارنپوری در این عرصه معتقد است که از منظر ایشان مستحب است که وقتی انسان از تصحیح عقائد و تصحیح مباحث ضروری شرعی فارغ شد با شیخ طریقتی بیعت کند که در شریعت راسخ العقیده و نسبت به دنیا بی رغبت بوده و طالب آخرت باشد، گردنه‌ها و نشیب و فرازهای نفس را سپری نموده و به اعمال صالحه و سعادت آفرین عادت گرفته و از اعمال هلاک کننده اجتناب و هم خودش کامل باشد و در این مورد دیگران را نیز کامل و تطهیر نماید. دست در دست این گونه مرشدی نهاده و نظر خویش را در اندیشه او منحصر و به مشاغل صوفیه یعنی به ذکر و فکر و در آن به فنای تام مشغول شود و مقامی را به دست آورد که نعمت عظمی و غنیمت کبری می‌باشد و در زبان شریعت از آن به نام احسان یاد شده است (سهارنپوری، ۱۳۷۰، ص. ۲۲۵؛ دورانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۴).

دیوبندیان از جهت فکری و عقیدتی به دو گروه ذیل تقسیم می‌شوند؛

۱ - **دیوبندیه حیاتی**: بیشتر عالمان مکتب دیوبندیه معتقدند که نوعی حیات در قبر برای انبیاء و پیامبر خدا(ص) وجود دارد؛ آنان برای اثبات مدعای مذکور به نماز خواندن حضرت موسی (ع) در قبر استدلال می‌نمایند و بر این باورند که نماز خواندن لازمه حیات جسمانی است (دورانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). در همین راستای برخی از اندیشمندان دیوبندی مانند رشید احمد گنگوهی در تالیفات خویش به این گونه حیات برای پیامبر اکرم (ص) تصریح کرده است (مدنی ۱۹۵۲، ص. ۴۵)؛ به این گروه از عالمان دیوبندی که چنین اعتقادی دارند، «دیوبندیه حیاتی» اطلاق می‌شود.

۲ - **دیوبندی مماتی**: اکثر دیوبندی‌های سنتی بر این باورند که با اعتقاد به مرگ واقعی رسول خدا (ص) آن رسول الهی با دنیا قطع ارتباط نموده است و به این گروه دیوبندیه مماتی گفته می‌شود و پیروان این تفکر مردم را از توسل و اسعائه به غیر از خدا منع می‌نمایند (حسنی طالبی، بی تا، ج ۸، ص. ۱۲۸). دیوبندیان در اندیشه سیاسی آنان، مهم‌ترین اصل در این زمینه را، اصل خلافت در نظام سیاسی اسلامی می‌دانند و اصل اعتقاد به جهاد و لزوم دفاع از ارزشهای اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی نیز از اصول اندیشه سیاسی آنان به شمار می‌رود. شایان توجه است میان دیوبندی‌ها و پیروان تفکرات وهابیت، اختلافهای فکری و عقیدتی فراوانی مانند؛ زیارت قبور، توسل، مسافرت به قصد

زیارت، شفاعت و حیات برزخی وجود دارد و عالمان برجسته دیوبندی مانند انور شاه کشمیری، سهانپوری، ابن عابدین شامی، شیخ محمد التانوی و کنگوهی در پاسخ به تفکرات وهابیت کتابهای تألیف نموده‌اند (سمعانی، ۱۴۰۸، ص. ۵۶؛ کنگوهی، ۱۳۴۲، ص. ۲۰۸).

۲- مناقب حضرت سید الشهداء (ع)

نویسندگان دیوبندی مذهب به توصیف واقعه عاشورا و مناقب و شرافتهای حضرت سید الشهداء (ع) در تألیفات خویش اشاره نموده‌اند و بهترین معیار برای شناخت حق از باطل و زندگی مومنانه را پیروی از سیره اهل بیت (ع)، پیامبر (ص) بویژه عمل به زندگانی امام حسین (ع) می‌دانند. مؤلف کتاب «شهید کربلا و یزید» در مناقب و وصف اخلاقی و معنوی امام حسین (ع) معتقد است که آن حضرت به دلیل صفات برجسته علمی و اخلاقی، سرشت پاک و قلب سلیم مورد احترام و تکریم اهل سنت و جماعت می‌باشد و همچنین پرهیز از گمان منفی به او یک فریضه شرعی است و افرادی که به آن فرزند پیامبر (ص) سخنان ناسزای بگویند فاسق و فاجر محسوب می‌شوند. آنان به شاخص‌های درس آموز سیره حضرت و ابعاد شخصیت آن امام (ع) پرداخته‌اند که در ذیل به پاره‌ای از این ویژگی‌ها اشاره می‌گردد:

الف) عبادت و نیایش

امام حسین (ع) به اعتراف تمامی حق طلبان از عابدترین بندگان مقرب خداوند فیض گستر بوده است وی افزون بر نمازهای پنج‌گانه به نماز نافله شب اهمیت می‌داد و روزها را روزه می‌گرفت و شبها را به نیایش پروردگار متعال سپری می‌کرد.

محمد بن محمد بصری می‌گوید؛

حضرت سید الشهداء (ع) در نماز شب این دعا را می‌خواند:

«اللهم انک تری ولا تری وانت بالمتنظر الا علی و ان لک الاخره والا ولی و انا تعوذ بک من ان نذل و نخزی» (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۵، ص. ۶۹).

در کتاب تاریخ یعقوبی نقل شده است که به امام زین العابدین (ع) گفته‌اند فرزندان پدر بزرگوار شما اندک هستند؟ آن حضرت در پاسخ گفته است:

«انه کان یصلی فی الیوم والیله الف رکعه فمتی کان یضرع النساء» (یعقوبی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۲۸۴).

سخاوت و بخشندگی

آن حضرت به یاری نیازمندان و یتیمان اهمیت می‌داد و اموالی که در اختیار داشته است میان افراد نیازمند تقسیم می‌کرد. این ویژگی‌های حضرت به گونه‌ای بوده است که معاویه بن ابی سفیان به سخاوت و بخشندگی آن امام (ع) اعتراف کرده است. ابوهشام می‌گوید: من از بصره برای حضرت سید الشهداء (ع) مقداری کالا آوردم و هنگامی این اقلام نزد حضرت وصول شد امام حسین (ع) همه این اجناس را به نیازمندان می‌بخشید (برفی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹).

فخر رازی در ذیل آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» می‌نویسد:

«مردی اعرابی به سوی آن حضرت آمد و بر او سلام و به او نیازمندی خویش را اعلام نموده و عرضه داشت از پدر بزرگوار شما شنیدم که می‌فرمود؛ هرگاه حاجتی خواستید آن را از چهارده نفر بخواهید، امام حسین (ع) به وی گفت: حاجت شما چیست؟ اعرابی آن مکتوب کرد حضرت سید الشهداء (ع) به او فرمود: از پدرم امام علی (ع) شنیدم که می‌فرمود: نیکی به مقدار معرفت افراد ارزشمند است، بنابراین از شما سه موضوع را سوال می‌نمایم، اگر یکی از آنها را پاسخ دادی یک سوم آن چه نزد من است متعلق به شما خواهد بود و اگر هر سه سوال را پاسخ گفته‌اید همه آن چه که در نزد من است به شما اعطای می‌نمایم. حضرت سوالات را مطرح کرد و ایشان پاسخ سوالات را می‌گفت؛ امام حسین (ع) کیسه‌ای از اموال را به وی بخشید (فخر رازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹۸).

ج) شجاعت و صلابت

امام حسین (ع) شجاعت و دلاوری را از پدران خویش به ارث داشته است و در پرتو این اصل مهم اخلاقی بالنده و تربیت گشته است آن حضرت سخن حق را با شجاعت ابراز می‌داشت و با صلابت از حق گرایایی دفاع می‌کرد و همواره با اعتقاد راسخ و ایمانی که در سیره پرفروغ او سایه افکنده بود در برابر سخت‌ترین شرایط زندگی، جاودانه و پایدار بر عقیده و آرمان خویش مقاومت و ایستادگی نموده است.

محمد شفیع عثمانی در وصف شجاعت آن حضرت می‌نویسد: «در روز عاشورا وقتی که امام حسین (ع) شهادت اصحاب و فرزندان خویش را مشاهده می‌کند حضرت خطاب به لشکریان مخالف جبهه حق می‌گوید، خداوند این قوم را نابود کند و در همین شرایط بود که حضرت قاسم (ع) به

شهادت نائل گشت آن حضرت فرمود؛ این گروه قوم جاهل و نادانی هستند که تو را شهید کرده‌اند بعد از شما برای من حیات در دنیای فایده‌ای ندارد، سپس پیکر حضرت قاسم(ع) برداشت و به سوی خیمه آمد و بعد عمر بن سعد به حضرت قاسم(ع) حمله کرد و سرش را با شمشیر مجروح کرد که در این شرایط حضرت قاسم(ع) بر زمین افتاد و فریاد او طنین انداز شد و فرمود: یا عما؟ آن وقت امام حسین(ع) با سرعت خود را در اطراف بدن حضرت قاسم(ع) آمد و با شمشیر به سوی عمر بن سعد حمله کرد و دست او را از آرنج قطع کرده است (عثمانی، ۱۳۷۹، ص. ۸۷).

۳- فلسفه قیام کربلا

حماسه عاشورا به دلیل اینکه در رشد و تعالی تعالیم حیات بخش دین اسلام نقش کلیدی داشته است همچون نگینی در تاریخ جهان اسلام می‌درخشید. این واقعه عظیم و شگرف درس‌های معنوی و الهام بخش برای پیروان شریعت اسلام به همراه داشته است. امام حسین(ع) با سلاح هنجارهای دینی و اعتلای کلمه حق و اصلاح جامعه اسلامی به وجدان‌های خفته عصر حیات خویش، بصیرت و آگاهی کرامت نموده است. آن پیشوای مسلمانان در سخنان خویش به فلسفه نهضت کربلا در جامعه اسلامی اشاره می‌نماید و گسترش فساد، تعطیل شدن حدود الهی و مهجور ماندن آموزه‌های دینی و انحصار اموال بیت‌المال در اختیار افراد قدرت طلب را از مهم‌ترین عناصر تاثیر گذار در این قیام الهی می‌داند(شریفی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۱). اندیشمندان دیوبندی، قیام کربلا را برای تحول‌سازی امت اسلامی و ماهیت این نهضت الهی را اصلاح‌گری در عرصه‌های مختلف حکومتی می‌دانند. آنان بر این عقیده اند که امام حسین(ع) در شرایطی قیام انقلابی داشته است که احکام دین اسلام به فراموشی سپرده شده بود و مسیر هدایت و رستگاری مردم با چالش‌های فکری و اجتماعی مواجه بوده است. آن حضرت در شرایطی حضور داشته است که نجات جامعه از منجلاب فساد و تباهی در سایه قیام معنوی آن پیشوای دینی با هدف احیای کلمه الله و نابودی ناهنجارهای اجتماعی انجام گرفته است (ندوی، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۷؛ عثمانی، ۱۳۷۹، ص. ۴۵).

مفتی محمد شفیع از عالمان دیوبندی در شکوه و عظمت واقعه خون‌رنگ عاشورا بر این عقیده است که حادثه کربلا دستاوردهای ارجمندی به ارمغان داشته که احیای معارف قرآن و سنت نبوی و ایجاد نظام حاکمیتی عادلانه و نابودی بدعت‌ها و انحراف‌های اجتماعی از عوامل موثر قیام کربلا به شمار می‌رود (محمد شفیع، ۱۳۸۳، ص. ۵). ابوحنیفه بر این باور است که خلفای معاصر او اعم از خلفای اموی

و عباسی خلافت را غصب کرده‌اند و در حق اهل بیت(ع) ظلم نموده‌اند؛ بدین جهت وی قیام علیه آنان را جایز می‌داند و از قیام‌های زیدی و شیعی علیه خلفای معاصر حمایت داشته است. بر این اساس ابوحنیفه، قیام امام حسین(ع) بلکه تمام قیام‌های شیعی و علوی علیه خلفای اموی و عباسی را جایز و لازم می‌شمرد و قیام کربلا را به عنوان قیام اصلاح‌گری برای امت اسلامی می‌داند(مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۲۴).

قیام حضرت سیدالشهداء(ع) قیام حق در برابر باطل است و آن حضرت در مسیر احیای حق‌مداری اقداماتی در خور اهمیتی داشته است ولی تسلیم باطل نشده است با آن که یاورانی کمتر از جبهه باطل داشته است. علیه ظلم و اجحاف با تمام قدرت و شهامت، ایستادگی نموده است تا اینکه حضرت و اصحاب مکرّمش در عرصه جاودانگی جهاد تبیین و روشنگری مقاومت داشته‌اند و به مقام شامخ شهادت نائل گشته‌اند (شهداد حنفی، ۱۳۶۳، ص ۴۴).

از مطالعه و بررسی کتاب‌های دیوبندیان در حوزه سیره پر فروغ امام حسین(ع) بر می‌آید که در منابع علمی خویش به معرفی واقعه عاشورا حسینی به فلسفه و حکمت این قیام اشاره کرده‌اند و این حماسه معنوی را الگوی تمامی قیام‌های تاریخی در جهت احیای کلمه الله معرفی داشته‌اند؛ به دلیل اهمیت موضوع در ذیل به برخی از اهداف و کارکردهای انقلاب کربلا از منظر مکتب دیوبندی اشاره می‌نماییم.

۱-۵ احیای دین و حقیقت اسلام

حیات بخشیدن به معارف دین، بُعد دیگری از احیاءگری و فلسفه قیام عاشورا است. با مراجعه به سخنان آن حضرت و در زیارت نامه امام حسین(ع) و شهیدان دیگر، تعبیر بلندی مانند اقامه دین، اطاعت خداوند و دعوت به مسیر الهی و امر به معروف و نهی از منکر دیده می‌شود که همه تعبیر نشانگر آن است که حضرت سید الشهداء(ع) تعظیم شعائر الهی و احیای آنان را از اصول بنیادین در قیام خویش می‌داند. در فراز از زیارت نامه آن امام بزرگوار می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تَلَاوْتِهِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»

یا امام حسین(ع) در نامه‌ای که خطاب به مردم بصره می‌نویسد بر اهداف سرنوشت ساز حماسه کربلا تاکید می‌نماید و می‌فرماید:

«أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله)، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ»

من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) فرا می‌خوانم. سنت الهی نابود شده و بدعت‌ها زنده گردیده است. اگر سخنان مرا بشنوید و فرمان مرا پیروی کنید شما را به طریق نیکو هدایت می‌کنم. یکی از عالمان نامدار دیوبندیه در زمینه قیام کربلا معتقد است که آن حضرت هدف از قیام خویش را احیای دین و حقائق اسلام، حاکمیت قوانین کتاب و سنت در جامعه، اجرای نظام عادلانه اسلامی، احیای خلافت و جانشینی به حق پیامبر (ص) و مبارزه جهت جهت نابودی حکومت پادشاهی می‌داند و در ادامه بر توفیق محبت و مودت کامل از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) و صاحب‌گرام را از درگاه حضرت حق طلب می‌نماید (عثمانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵).

جامعه عصر امام حسین (ع) با چالش‌های فکری و بحران‌های ارزشی مواجه بوده است. هنجارهای دینی در جامعه اسلامی به دلایل مختلفی دچار انحراف‌های گوناگون شده بود. مسیر شریعت اسلام و معارف قرآن و عترت به فراموشی سپرده شده و تفکرات قومی و عصبیت‌های جاهلی بر تعالیم حیات بخش دین اسلام تفوق یافته بود. ثروت اندوزی و گرایش به تعلقات دنیوی در جامعه ترویج می‌نمودند و آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی متنوعی در متن زندگی امت اسلامی نفوذ گشته است و مردم از دین و شریعت محمدی به عنوان ابزار استفاده می‌کردند. امام حسین در این زمینه می‌فرماید:

«إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ» (خوارزمی، بی تا، ص. ۲۳۶).

روایات فراوانی در منابع حدیثی دیوبندیان مبنی بر نصیحت به حاکمان و حق‌گرایی در برابر آنان گزارش شده و در همین راستای شخصی خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شد و عرضه داشت کدامین جهاد نزد خداوند دوست داشتنی و مهم می‌باشد. رسول خدا (ص) در پاسخ به او چنین می‌فرماید: «كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ ذِي سُلْطَانٍ جَائِرٍ» (ابن ماجه قزوینی، بی تا، ج ۵، ص. ۱۴۶).

در همین راستای محمد شفیع عثمانی می‌نویسد: هنگامی که عبدالله بن جعفر همراه با یحیی بن سعید جهت منصرف ساختن امام در مسیر راه آمد و تلاش نمود که امام را از حضور در کوفه منصرف سازند، امام (ع) فرمود که به هیچ عنوان از این راه برنمی‌گردم به دلیل اینکه پیامبر (ص) را در خواب دیدم که ایشان دستور به احیای قرآن و حراست از سنت نبوی را داده است و به هیچ عنوان از فرمان

رسول خدا(ص) در احیای حقائق دین منصرف نمی‌شوم. ایشان پرسیدند که خواب را برای من شرح نمایید امام فرمود: این خواب را نخواهم گفت تا با پروردگار خود ملاقات کنم (دیوبندی، ۱۳۷۵، ص. ۵۲).

۲-۵- دفاع از مظلومان

دفاع از ستمدیدگان از آموزه‌های دینی مورد تاکید انبیای الهی و ائمه هدی (ع) است، امنیت یافتن مظلومان و حمایت از حقوق شرعی آنان در شرایط عصر حیات امام حسین(ع) که مردم انحراف‌های عقیدتی و اجتماعی مشاهده می‌کردند از عوامل مهم قیام حضرت به شمار می‌رود. قرآن، دفاع از مظلوم را برای اطرافیان و یا حتی دیگران را امری لازم و ضروری دانسته است. بدین خاطر به رغم نکوهش آشکار ساختن بدی دیگران، این امر را دین اسلام برای مظلوم جایز دانسته است (حج/ ۴۵۱؛ نساء/ ۱۴۸؛ شعراء/ ۲۲۷؛ اسراء/ ۳۳).

امام علی(ع) استیفای حق مظلوم از ظالم را به عنوان فلسفه پذیریش حکومت خویش می‌داند و می‌فرماید:

«به خداوندی که دانه را شکافت و جان را آفرید اگر این بیعت کنندگان نبودند و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و خداوند علماء را نفرموده بود ستمکار شکم پاره را برنتابند و به یاری گرسنگان بشتابند رشته این کار از دست می‌گذاشتم و خلافت را رها می‌کردم» (نهج البلاغه/ ۳).

نویسنده کتاب «در تحقیق و اثبات شهادت امام حسین (ع) و کردار یزید» بر این عقیده است که اهل مدینه و مکه بر حکومت افراد ظالمی راضی نبودند و امام حسین(ع) (و عبدالله بن عباس و دیگران با حاکم زمان حضرت سید الشهداء بیعت نکرده بودند قیام و خروج حضرت در این شرایط برای دفع تسلط حاکم ستمگر بوده است نه برای رفع تسلط، و آن چه که در احادیث مذموم است آن خروجی است که برای رفع تسلط سلطان جائز باشد (نانوتوی، ۱۳۸۲، ص. ۴۵). محمد ادریس کاندهلوی می‌گوید: انگیزه قیام حضرت امام حسین(ع) نجات مسلمانان از حکومت ظالمان بوده است ایشان به مبارزه علیه ظالمان اقدام نموده تا حکومت فاسد را نابود و احکام حیات‌بخش دین اسلام را گفتمان سازی نماید (کاندهلوی، بی تا، ۲۱۵).

یکی از نویسندگان دیوبندی بر این باور است که امام حسین(ع) به مسلمانان درس مقابله با ظلم، استبداد، فسق و تباهی داده است و نباید به دلیل قدرت و تجهیزات ظاهری و سطحی دشمنان اسلام

و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مسلمانان محدود بوده است از حمایت مظلومان و حق‌گرایان و خدمت به آنان غافل و مسامحه نمایند و یا راهبردی منافقانه اختیار کنند (سربازی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴).

۳-۵- مبارزه با انحراف‌های فکری و بدعت‌ستیزی

دین اسلام همواره از جانب مخالفان در معرض تفسیر نادرست و سوء استفاده و بدعت‌آفرینی بوده است از سوی دیگر رسالت ائمه طاهربین (ع) و علمای دین، صیانت دین و معتقدات اسلامی از تحریف و مقابله با بدعت‌ها است. رسول خدا (ص) فرموده است که هرگاه بدعت‌ها آشکار شود، انسان دانا لازم است که دانش و علم خویش را آشکار کند.

امام حسین (ع) نیز به عنوان مصداقی از عمل به این تکلیف الهی به دفاع از حریم دین پرداخت و از انگیزه‌های خویش، احیای دین و بدعت‌ستیزی را برشمرد (محدثی، ۱۳۸۷، ص. ۵۲). نویسندگان مکتب دیوبندی یکی از عناصر مهم قیام حضرت سیدالشهداء را مبارزه با انحرافات دینی دستگاه خلافت عصر امام حسین (ع) عنوان کرده‌اند. آنان بر این باورند که بدعت‌های فراوانی در زندگی و جرثومه فساد، در مردم وجود داشته است سالار کربلا برای مبارزه با این فسادها مبادرت به قیام اصلاح‌گری نموده است.

از نگاه اندیشمندان دیوبندی یکی از اهداف قیام امام حسین (ع) وجود انحراف‌های دینی و اجتماعی در عرصه‌های زندگی مردم بوده است. آن حضرت در همین راستای می‌فرماید:

«كَلَّمَا قُدِّرَ نَازِلٌ عِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ أَنْفُسَنَا وَفَسَادَ أُمَّتِنَا» (ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۳، ۱۴۵، ص. ۱۳۷۵، ص. ۴۳). یکی از نویسندگان مذهب حنفی در همین راستای براین باور است در شرایطی که منصب زمامداری و حکومت از مسیر اصلی آن انحراف و کجروی در آن پدید آمده است و ناهلانی زمام حکومت را بر عهده گرفتند حضرت سیدالشهداء (ع) با تمام قدرت در برابر آنان ایستادگی نموده است و با تقدیم خون پاکش در این عرصه برای افرادی که انحراف در مبانی دین اسلام ایجاد کرده‌اند رسوایی را تا قیامت ثبت کرده است (سربازی، ۱۳۷۲، ص. ۳۱).

محمدشفیع عثمانی بر این عقیده است از عوامل مهم حماسه خونین کربلا مبارزه با بدعت‌ها و معرفی اسلام نبوی و گستراندن نظام عدالت محوری در جامعه اسلامی بوده است (عثمانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۸). محمد طیب از نویسندگان دیوبندی در این زمینه می‌نویسد:

«حقیقت آن است که قیام حضرت سید الشهدا(ع) در مقابل حکومت ظالم برای ارزیابی ریاست‌طلبی و خلافت نبوده است بلکه هدف اساسی آن حضرت نجات مردم ستمدیده از ظالمان می‌باشد» (طیب، ۱۳۵۲، ص. ۱۱۴۳۰).

بنابراین در اندیشه عالمان مکتب دیوبندی از مهم‌ترین اهداف حماسه خونین کربلا، نفی بدعت‌ها و اصلاح و ترمیم نظام عدل الهی و حذف تفکرات اموی و انحرافات در جامعه دینی بوده است.

۴-۵- احیای خلافت اسلامی

حاکمیت و زمامداری از نگاه دین مبین اسلام شرایط و مؤلفه‌های لازم دارد حاکم دینی در صورتی می‌تواند نقش تأثیرگذاری داشته باشد که شاخص‌های حاکمیتی را به عنوان اصل ضروری به آن عمل و آن را به عنوان معیار اهداف و برنامه‌های خویش قرار بدهد.

امام حسین(ع) در زمان حیات خویش احساس می‌کرد که مسیر خلافت اسلامی از مسیر اصلی آن فاصله گرفته است و با گذشت زمان ممکن بود معارف دین دستخوش تغییرات و تفسیرهای انحرافی شود بر همین اساس آن حضرت با هدف احیای خلافت اسلامی قیام کرد تا مردم آن زمان متوجه شوند که خلافت طاغوتی برای مسلمانان قابل تحمل نمی‌باشد، و تفکرات مسموم آنان به تدریج در جامعه دینی موجب نفوذ فرصت طلبان و افزون طلبان مادی می‌شود.

نویسندگان اهل سنت اتفاق نظر دارند که قیام و شهادت امام حسین(ع) با هدف احیا خلافت اسلامی بوده و این اقدام حضرت موجب نائل شدن امام(ع) به مقام بلند و شامخ شهادت گردیده است. آن حضرت در پاسخ به سخن فرزدق گفته است که دل‌های مردم با شماست ولی شمشیرهای آنان با بنی امیه و قضا از آسمان نازل می‌شود و خداوند هرچه می‌خواهد انجام می‌دهد و اگر قضای الهی میان خواسته‌های انسان فاصله می‌افکند بنابراین شخصی که قصدش حق است و کردارش بر اساس تقوا می‌باشد به رحمت الهی امیدوار است (بلاذری، ۱۹۹۷، ج ۴، ۳۷۶؛ طبری، ۱۹۶۷، ج ۵، ص. ۳۸۶)

امام حسین(ع) با تأسی از پیامبر (ص)، پس از مشاهده ناهنجاری‌های اجتماعی و دینی که در عصر خلافت یزید، مبادرت به تشکیل حکومت و خلافت اسلامی نمود تا جامعه را از منجلا بستمکاران و عناصر فاسد آن زمانه نجات بدهد و پرده‌ای از چهره مفسدان بردارد و بسترهای مناسب را جهت زندگی همراه با آرامش و عدالت محور مسلمانان فراهم کند. آن حضرت در همین راستای می‌فرماید:

«فأتینا لنأمر بالعدل و ندعو الی الحکم بکتاب الله اذکنا أهله و لم نزل الخلفه لنا. «هدف از احیای خلافت اسلامی این است که فرمان عدل و دادگستری را ترویج و مردم را به فرامین الهی و آیات قرآن دعوت کنیم و ما شایستگی این مسئله هستیم. خلافت و حکومت همواره برای ما بوده است(خوارزمی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۲۰۶)

ندوی از اندیشمندان دیوبندی در همین راستای از کارکردهای قیام امام حسین (ع) احیای خلافت اسلامی و اعلام حق و مخالفت با حکومت‌های باطل می‌داند. وی شرافت و شکوهمندی دین اسلام را در سایه سار صیانت همین انقلاب‌های دینی برمی‌شمارد و مهمترین الگوی درخشان برای اهل ایمان و یقین وجود این گونه قیام‌های معنویت‌ساز و تاریخی را معرفی می‌دارد (ندوی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۶)

نتیجه گیری

نهضت حماسی کربلا موجب زنده نگه داشتن دین اسلام و گسترش سنت نبوی و فضائل انسانی در زندگی مسلمانان شده و به جهانیان درس عدالت و استکبارستیزی و مقابله با ظلم و استبداد را تعلیم داده است. پرسش اصلی این است که انقلاب حیات‌بخش عاشورا ویژگی‌ها و فلسفه آن چیست؟ نویسنده در جستار حاضر به تحلیل و واکاوی این حماسه و فلسفه آن از منظر عالمان مکتب دیوبندی پرداخته است؛ از نگاه آنان حضرت سیدالشهداء (ع) با این انقلاب مقدس، جوامع انسانی را از اسارت و بندگی نجات داده است و نهضت آزادی‌بخش عاشورا برای تمامی عرصه‌های زندگی می‌تواند اسوه ای جاودانه برای تحقق آرمان‌های انسانی و صف‌آرایی در برابر حاکمان ظلم‌ستیز قرار بگیرد. در اندیشه عالمان دیوبندی فلسفه انقلاب عاشورا، همان احیا آموزه‌های دینی و مبارزه با تفکرات جاهلی و انحرافات اجتماعی و نجات ستم‌دیدگان از ظلم حاکمان است که عمق تاثیرگذاری این حماسه عظیم، تمامی حق‌طلبان با گرایش‌های مختلف را به تحسین و شگفت‌آوری واداشته است در همین راستای از دستاوردهای مبارک انقلاب انسان‌ساز کربلا این است که تمامی جنبش‌ها و تحولات اصلاح‌گرایانه‌ای که در جهان اسلام تحقق یافته است از نهضت معنوی و آزادی‌بخش امام حسین (ع) الهام گرفته‌اند. بنابراین فلسفه قیام عاشورا از منظر اندیشمندان دیوبندی همان حیات‌بخشیدن به معارف قرآن و آموزه‌های درس آموز اهل بیت(ع) و دفاع از ستم‌دیدگان و مبارزه با تفکرات انحرافی و ناهنجاری‌های اجتماعی و جلوگیری از انحطاط اخلاقی جامعه اسلامی و احیای حاکمیت و مسیر خلافت دینی بوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آفندی برزندی، سید احمد. (۲۰۰۴م). غایه المأمول فی تتمه الوصول فی تحقیق علم الرسول، لاهور، دارالکتاب.
- ابن اثیر، علی بن أبی المکرّم. (۱۴۱۷). الکامل فی التاریخ، تحقیق: عمر عبدالسلام، بیروت، دارالکتاب العربی
- ابن سعد، محمد. (۱۴۱۴ق). الطبقات الکبری، طائف، مکتبه الصدیق
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوی. (بی تا). سنن ابن ماجه، تحشی: محمود خلیل، مکتبه أبی المعاطی و الرساله، بیروت.
- الرحمن، سید طالب. (۱۴۱۹). الادیوبندیه تعریفها و عقائدها، ریاض، دارالصمیعی النشر و التوزیع، برفی، محمد. (۱۳۸۶). سیمای حسنین (ع) از منظر اهل سنت، تهران، انتشارات محراب فکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۹۷). فتوح البلدان، دمشق، منشورات وزارة الثقافه،
- حسنى طالبی، عبدالحی. (بی تا). الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام المسمی، بیروت، دارابن حزم.
- خوارزمی، ابوالمؤید الموفق بن احمد مکی. (۱۴۰۹). مقتل الحسین، تحقیق: محمد سماوی، ج ۱، انوار الهدی، قم، ایران
- دورانی، عبدالغفور. (۱۳۹۹). ره آورد شرق، تهران، انتشارات پویان فرنگار،
- دهیانوی، رشید احمد. (۱۵۴۳). احسن الفتاوی، دیوبند، مطبعه زکریا
- دیوبندی، محمد شفیح. (۱۳۷۵ق). اسوه حسنی یعنی شهید کربلا، کراچی، دارالاشاعه.
- رفیعی، محمدطاهر. (۱۳۹۶). دیوبندیه و اندیشه های کلامی آن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سربازی، عبدالرحمان. (۱۳۷۲). شهسوار کربلا، زاهدان، انتشارات صدیقی.
- سرهندی، شیخ احمد. (۱۳۲۹ق). مکتوبات الامام الربانی، ج ۴، هندوستان، مطبعه مجددی.
- سرهندی، احمد. (۱۴۲۲). اثبات النبوه، استانبول، مکتبه الحقیقه.

- سمعانی، عبدالکریم. الانساب، تقدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان الصدیق. سهارنپوری، خلیل احمد. (۱۳۹۸). المهندعلی المفند، لاهور، اداره اسلامیات.
- سهارنپوری، خلیل احمد. عقاید اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت، ترجمه عبدالرحمن سربازی چابهار. (۱۳۷۰). چابهار، مدرسه عربیه اسلامی.
- شرفی، محمود. (۱۳۷۴). موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، قم، دارالمعرف.
- شهداد، محمد. (۱۳۶۳). سرور شهیدان امام حسین (ع)، چاپ مظاهری.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۹۶۷). تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- طیب، محمد. (۱۴۳۰). علماء الادیوبند عقیده و منهاجاً، دیوبند، الہند.
- عثمانی، محمد شفیع. (۱۳۷۹). شهید کربلا، مترجم محمد امین حسین بر، تهران، انتشارات مهارت عزیز احمد. (۱۳۶۶). تاریخ تفکر اسلامی در هند، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی کیهان.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۳۷۸). التفسیر الکبیر، بیروت، مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، کاندھلوی، محمد زکریا. (بی تا). صحبتی با اولیاء، کراچی.
- کشمیری، انور شاه. (۱۴۲۴). الکفار الملحدین فی ضروریات الدین، پاکستان، المجلس العلمی اداره القرآن و العلوم السلامیہ .
- گنگوہی، رشید احمد. (۱۳۴۲). فتاوی رشیدیہ، کراچی، دارالاشاعہ.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۷). پیام های عاشورا، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- مدنی، حسین احمد. (۱۹۵۲). مکتوبات شیخ الاسلام، هندوستان، مطبعہ معارف.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب، دار الہجرہ.
- نانوتوی، محمد قاسم. (۱۹۸۱). اجوبۃ اربعین، لاهور، نعمانی کتب خانہ.
- نانوتوی، محمد قاسم. (۱۹۸۱). تحقیق و اثبات شہادت امام حسین (ع)، لاهور، ناشر خدام اهل سنت.
- ندوی، سید ابوالحسن، المرتضی. (۱۳۸۵). مترجم عبدالمجید مراد زہی خاشی، زاهدان، انتشارات فاروق اعظم.
- نعمانی، عبدالعزیز. (۱۳۸۸). حماسہ کربلا، تربت جام، آوای اسلام.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۵۸). تاریخ الیعقوبی، بیروت، موسسه الاعلی المطبوعات.